

برنجی سنه

شیرینک هر مجله نشر اولونور

نومرو - ۴۵

صاحب امتیازی :
شهیندر زاده قلیلی
احمد ملی

اداره و تحریر محلی :
جفال اوغلی جاده سنده دائره مخصوصه در .
مخابرات صاحب امتیاز ایله جریان ایتلیدر .
نسخه سی هر پرده یکرمی بازه در .

۲۴ صفر الحیر ۳۲۹



وَلَا تَجْعَلُوا دِينَكُمْ تِجَارَةً ذَلِكُمْ فَسَادٌ لِّلْدِينِ

شرائط اشتراك :
سنه لکی ۳۰، آلتی آیلنی
۲۰ غرر شدر

ممال اجنبیه ایچون :
سنه لکی ۱۰، آلتی آیلنی ۶ فراتقدر اعلانات ایچون
اداره ماموری محمد زهنی بکه مراجعت ایدیلیر .

۲۴ شباط افرنجی ۱۹۱۱

۱۰ شباط ۱۳۲۶



سبأ صفا

اتحاد عناصر مفیده :

فرمان شاهی

رفعی که بمصحب میرزا محمدنائب الصدارة بممالک ایران نوشته شده اعوذ بالله تعالی فرمان قضا جریان همایون شد . آنکه بیکر بیگا عظام و حکام کرام و سادات عالیقام و علما و سادات و فضلاء کروی احتشام و امنای شرع مین و عارفان و واقفان مسالک حق و تبیین و کتبخدایان و رؤسای و کلانتران قاطبه قاطنین و جمهور سکنه و متوطنین ممالک محروسه شهنشاهی و مستظلال قصر بيقصور دولت ابد مدت ظل الهی بمکارم بیدریغ خاقانی و عنایات از حد افزون قاتی امید وار بوده بدانند که چون شاه (اسماعیل صفوی) که در سال نهم و شش خروج کرده جمعی از عوام کائنات را با خود متفق ساخته باعتبار اغراض نفسانی در ریاست دنیایی دنی در میانه اهل اسلام قداحه دینی و دور هم دینی نموده تبایب و رقیب گذاشته و باین وسیله بغض عظیم بین المسلمین احدث کرده لوای نفاق و نزاع افراخته بحدی که کفره در مهد امان اسایش کزین شده فروج و دماء مسلمانان بمعرض تلف در آمده لهند در سحرای کبرای سحرای مغان بنهجی که در تاریخ نادری مذکور است در جایی که جمهور انام و کافه خاص و عام ایران از نواب همایون ماستدعای قبول امر پادشاهی میکردند بایشان تکلیف فرمودیم که در صورت مسئول ایشان مقرون بقبول خواهند شد . ایشان نیز از عقائد فاسده و اقوال کاسده که از بد ظهور شاه (اسماعیل) در میانه اهل ایران شیوع یافته نکول و حقیقت خلافت خلفاء راشدین رضوان الله تعالی علیهم اجمعین را که مذهب آباء همایون و ورع میمون مایوده بالجنان و اللسان اذعان و قبول کرده از سبب و رقص تبر او بولای ایشان تولا نمایند و برای تأیید این معنی اذاعله اماخار و فضلالی دیندار که ملتزم در کاب ظفر شعار و بر تان و دوز حضور مهر آثار بودند تحقیق و استفسار فرموده ایم همگی بمعرض اقدس رسانیدند که بعد از بعثت سید المرسلین صلی الله تعالی علیه و علی آله و اصحابه اجمعین هر یک از صحابه راشدین رضی الله عنهم در ترویج دین مبین بذل نفوس و اموال و هجرت از اهل و عیال و اعمام و احوال و اختیار لوم لوام و طعن و تعبیر خاص و عام را بر خود قرار داده باین جهت بشرف صحب خاص جناب رسالت با اختصاص یافته پیرایه پوش تشریف نزول آیه وافی هدایه (و السابقون الاولون من المهاجرین و الانصار و الذین اتبعوهم باحسان) گردیدند بعد از رحلت حضرت عیسی الابرار بنای خلافت باجماع صحابه کبار که اهل حل و عقد کار امت بودند خلیفه اول ثانی اثنین از هم فی القار صدر نشین مسند خلافت احمد مختار (ابی بکر الصدیق) رضی الله عنه تعالی و بعد از او بنص و نصب اصحاب رفاروق اعظم مزین المنبر و الحراب (عمر بن الخطاب) رضی الله عنه

و بعد از او بشوری و مصلحت و اتفاق بر جناب ذی التورین (عثمان بن عفان) رضی الله تعالی عنه و بعد از آن اسد الله الغالب علی کل غالب و مطلوب کل طالب مظهر المعجائب و الغرائب امیر المؤمنین (علی بن ابی طالب) کرم الله وجهه قرار یافت و هر یک از خلفاء اربعه در مدت خلافت خود با هم سالک فریق وفاق و معرا از شوائب خلاف و نفاق بوده رسم اخوة و اشتلاف مرعی و ملحوظ داشته و حوزه دین مبین را از تطرق شرک و کین مشرکین مصون و محروس میداشتند . و بعد از خلفاء اربعه رضی الله تعالی عنهم از اهل اسلام در اصول و قواعد متفق بودند . اگر چه بمروور دهر ، و تصاریف اعوام و شهر با اعتبار اختلاف علماء اسلام در بعض ازف و عادت از قبیل اداء صوم و حج و زکاة و غیره اختلاف راه یافت لیکن در اصول مذهب و محبت و اخلاص بمحضرت رسالتناهی صلی الله علیه و سلم و اصحاب او نقص و قصوری و خلل و فتوری راه نیافته تا زمان ظهور شاه اسماعیل بهمین دستور مستمر بوده . ایشان نیز بر همنوی حکم اقدس و ارشاد امر مقدس ترک آثار مبتدعه سبب در فرض نموده اند بل محبت و ولای چهار رکن ایوان دین مبین منشبت گردیده اند . و از برای این معنی مانیر سریر سرور میرا جلوس میمنت مانوس اقدس ترین داده تمهد فرمودیم که عهود خسه معهوده را باعلی حضرت فک رفعت خاقان البرین و البحرین خادم الحرمین الشریفین ثانی اسکندر ذی القرنین پادشاه اسلام بناد برادر و اردرگاه سلطان ممالک روم اعلام و این مطلب بنا بر وفق مأمول اختتام سازیم که مقدمات مزبور بتأیید الهی قرب الحصول و در شرف و در شرف انجام و وصول است در این وقت که ساخت در بند مطلع ماهیچه لوای فیروز مسند و قصر کوکبه مکوکب آسمان بیوند بود تجدید مزید التاکید از برای استحکام این کار و اطمنان خاطر حقیقتمدار علاقه العلماء و مجتهد الزمان (ملی علی اکبر) ملا باشی و باقی علماء کرام که در رکاب نصرت انتصاب حاضر و نفیس انوار خدمت فیض مظاهری بودند در خلوات و مجالس استعلا فرمودند آسمان مراتب سابق را بموجب تذکره مسجله معروض داشتند و همه جهت حجاب شبهات و ابهام از پیشگاه متحیر اقدس مرتفع و تشکیک و تردید منقطع گردیده بحدی یقین پیوست که همگی رقص و بدع و اختلاف ناشی از فتنه انکیزی شاه اسماعیل بوده والا از صدر اول الابد و ظهور او همگی اهل اسلام در ماهیج اصول در یک طریقه ثابت و بر یک نهج راسخ بودند . بناء علیه علی هذا الحاصل بتأیید ربانی و الهام سبحانی حکم اشرف اعلی از موقع عز و علا شرف صدور یافته اند بخود از مبادی اسلام ناهنگام ظهور شاه اسماعیل همگی ایشان خلفاء راشدین را خلیفه علی التحقیق دانسته اند بهمین دستور هر یک را خلیفه حق دانسته از سبب و رقص مخترب باشند و خطبای کرام و نقای عظام در رؤس منابر اسلامی سامی و مناقب و محامد خلفای کرامی مذکور و جاری ساخته در تقریر و تحریر و تخریر نام ایشان را

بترضیه یاد نمایند . و علامه نهام خلاصه الفضلالی الکرام (میرزا محمد علی نائب الصدارة) بممالک محروس را باقطار و امصار ممالک روانه فرمودیم که مضامین حکم همایون را همگی دور و نزدیک القا و ایشان نیز بسمع قبول و اذعان و اسفاد قبول نموده تخلف از مدلول آن موجب عذاب الهی و سخط شهنشاهی دانسته و در عهده شناسند .

نادر شاهک بوفرمایله تأمین ایتمک ایستدیکي اخوت اسلامیه ایله بوکونکی عقد اولان مواخا قاره - سنده پک بیوک فرقلر موجوددر .

اوزمانلر بواحتیاجی نادرشاه اسلام حس ایتمش اوله بیلر . فقط بونی هرکس طوبیعور ایدی . تأثیرات محیطیه نك مولود طبعیهی دکلدی . بوکونکی کبی آفاق مملکتنده پیدا وهر فرده حاکم اولمش بر احتیاج دکل یالکز بروطفه منوره اصحابی طرفندن درک اولمش بر حقیقت ایدی ،

اوت ! اعتراف اولمش ضروریدرکه بوکونکی مواخا بر تکرر تاریخیدر . فقط بونادر شاهک زماننده کی کبی یالکز حکایات تاریخیه قیلندن قالمیه حق یقین بر استقباله کوستره جکی مائر فلیه فوق العاده منک مبدای اولمله الی الابد انسال مستأخره اسلام طرفندن تجیل و تقدیس اولنه حق بیوم تاریخیه اوله جقدر !! واعتصموا بمحبل الله جمعا ولا تفرقوا واذکروا نعمه الله علیکم اذکنتم اعداء فالف بین قلوبیکم فاصبحتم بنعمته اخوانا وکنتم علی شفا حفرة من النار فاقتدکم منها کذاک بین الله لکم ایاته لعلکم تهتدون

باندز مه - فی ۲۴ کانون ثانی ۳۲۶

شرف الدین



مشروطیتک اساسی عدل و حقدر :

بودورده قانونه تمامی اولان هر بر خصوصک بحق و عادلانه اولماسی لازمدر . حالبوکه ملک امورینی اداره ایدنلر آراسته از هر جهت پک آشکار ، پک بیوک نسبتزلک وازدر .

جهت ملکیه و عسکریده کی مختصات فرقی عدل وحقه مقارنیدر !! ؟

شبهه سزدکادر ! مقارندر دین لطفاً ایضاح بویورسون ! مکاتب عالیهدن معدود اولان مکتب حریهدن مأذون بر ملازم ثانی بش یوز غروشه بش سنه خدمت ایدرکن دیگر مکاتب عالیهدن مأذون اولانلر نه دن بیکرله غروش آلورلر ؟ !

حکومتی زنگین ؟ یوقسه آنلرده بر ملازم کی قورشونلر ایجریسنده می یووارلانیور ؟

اسقراضی اونونمادق ! بناء علیه حکومت زنگین دکل بر ملازمک حیاتی هر آن تهلکده ! دیگرینه او - تهلکده یوق ! او حلاله بوفرق عظیم نرمدن نشئت ایدیور ؟ نعمت کلفتک مقابلی دکلی ؟

دیگر مکاتب عالیه مأذونلرینک ایلمک مأموریتلرنده

ملازمدن دهآ آز معاش. آلماری ایجاب ایتمی ؛
منطقی دوشونولورسه فضله معاش ویرمک ایچون
حق رحمان بولوناماز ! یوقسه عین سنهده مکتبدن
نشئت ایدن بر ملازم ایله دیگر برماذونی مقایسه
ایدرکن ملازم اوچیسوز غروش آلاچقنی بیله بیله
حریبه کیرمش ؛ دیگر ایسه بیک بش یوزغروشه
فائل اولاجقنی بیله بیکندن دیگر برمکتبه کیتمشدر.
ملازم کندی دوشونجهسز لکنک جزاسنی چکسین!
دیمک انصافسز لقدر. بر آزده وجدانه مراجعت !

حیاتک الک الیم اضطرارینه قارشنی بتون محرو -
میتله قاتلانهرق اون سنه نهایت آلتی یوز غروش
معاشله خدمت ایدن ملازم عیجا احتیاجدنمی وقف
حیات ایدیور ؟ یوقسه بتون موجودیت شخصیسنی
موجودیت ملییه فدا ایتمک کبی الک قدسی، الک علوی
حیاتک سوق و تأثیریه می دیدیشور ؟ بونلری دوشونه
میجک قدر سطحی نظر اولانلره سولانهجک سوز
یوق ! هر ضابط منافع شخصیسنی دکل منفعت ملیه
وسلامت وطنیه بی دوشونور. پاره مقابلنده خدمت
ایتمک فکرندن بیله کچمز. ملکیه به انتساب ایدوبده
بیک غروش آلتی تأمل ایتمهسنه یکانه سببده اودر.
او مقدس دوشونجهسیدر.

ملکیه وعسکریه آراسندنمی نسبتسز لکنک عدل
وحقه تقریبی زمانی کیشدر. بونک ایچونده :

۱ - دولتک رسمی مکاتب عالیهندن مأذون
اولانلر قرعه ایله ولایتلره کوندرلیلی. - ضابطان
ایچون مستنجا محالیر ملکیه مأمورلری ایچونده مستنجا
اولاییلیر. -

۲ مکاتب ملکیه دن مأذون برذات قرعه نتیجهسی
اولارق عادلجواز قائماملغه تعیین اولنورده کیتمشدر
امتاع ایدرسه بردها خدمت دولته استفاده ایدله مک
شرطیه قید ایدله لیدر.

۳ - رفیع و قیض حصوسندهده نسبت عادل
کوزتمک لازمدر.

یوقسه عین مکتبلرده اوقویوبده بری حریبه
دیگری ملکیه به انتساب ایدن ایکی اقدیدن بری ژاندارمه
ملازم نایسی ایکن صنف رفیقنی او ضابطک بولوندی قضایه
قائمقام نصب ایتمک آهنگ مساعی بی خالدار ایدر. عدل
وحقهده صیغماز. زیرا : اولمازم نائی قائمقام بیک نلک
معاشیه معتبده خدمته مجبور قالیر. بوقدر حسب حالدن
مقصد آشکار حقسزانی عرض ایتمکدر. یوقسه
ملازملرده بیک بش یوز غروش معاش ایسته یور : دیه
تقریب ایدله سین ! ضابطلر ؛ زواللی مللک الک قاععلی
فداکار و وجدانی افرادنددر. حزیبه : سفالته
آزبان ملت بهار اولق ایسته مزملر. فقط ؛ بتون حقسز
لقلره کوزیوماجق قدر بصیرتمز ضابطده تصور
ایتمه یلم. نسبتاً دهآ آز احتیاجه معروض ملکیه
مأمورلرینکده معاشلرنی ضابطلرک مخصوصانه مساوی
اولونجهیه قدر تنزیل ایتملی. بو دورته ایدله جک
اقتصاددن هیچ اولمازسه. بوجهک آجینک الک اشانی
برملیون لیراسی قاپتاییلیر. بونی هر کسندن اول

ملک مقدراتنی اداره ایدن دماغلرک دوشونعه سی ایجاب
ایدردی ! عیجا دوشونعه مکده کی حکمت نهدر !
قیصریه لی م. رمزی



مشاهیر اسلام

طیب شا کر پاشا

۳۱ مارت هائله خیمه سی انساننده ایدی که
تورکلرک بویوک بر علمی اولان شا کر پاشانک روحی
عالم بالایه پرواز ایتمش، مفتون فضل و عرفانی
اولانلر، حتی زواللی طلبه سی بیله مع التأسف جند
زه سنده بولنه مامشدر، کوزیاشلریله قلبلری ایضایه ررق
بوداهی قنک افولته تأسف خوان اولمشدردی،
شا کر پاشانک نامی ؛ یتشدردیکی طلبه نک عددی
یوزلره بالغ اولدینی حالده، احتمالک، بر چونی
عثمانیلرجه مجهولدر. بو، چالیشمقدن یورماز،
صنعتنه عاشق ذات محترم، (مشهور قلود برنا) ک
رحله تدریسنده اکتساب فیض و معلومات ایتدکن
صوکر و وطنه عودت ایتمش و مکتب طیه عسکریه ده
(فیزیولوژی) فنک اساسلری قورمشدر. مشکلاتی
حل ایتمک ایچین شا کر پاشایه مراجعت ایدنلر
بوذات محترمک مطالعات قیه سندن مستفید اولورلردی.
طبابتک، فلسفه نک، فنک هر هانکی شعبه سین دائر
برشی صورولسه مفید، قناعت بخش جوابلر و یریز
دی. حتی بر رفیق کندیسنه دماغنده بر (مرکز
موسیقی) تصور ایتدیکی سولیه دیکی وقت شا کر
پاشا ؛ بوذاته موسیقی به دائر کونلرجه، هفته لرحه
معلومات و ایضاحات ویرمش و الک نهایت کتبخانه سنده
بولتان [فلسفه موسیقی] به دائر بر قاج جلد کتابی
رفیقعه اهدا ایتمشدر.

عملیات خانسنه بر دنمه کیردیمی، آئنده ایکی
بوزوق آلتریق بیلی، بر کسمز یتشدر اولدینی حالده
کینه ماصه سنک باشنه کچرک آلات و دواتنک
نقصانلغه باقاز، چالیشیر، حتی یلم وقتی اونوتور،
حتی اقشام اولدینی بیله بیلیمز، دائماً چالیشیردی.
اونک نظرلنده چالیشمق، الک مسعود بر مشغله ایدی.
زواللی شا کر پاشا عملیاتخانسنه بر قاج منتظم
آلت کتیرمک ایچین نه قدر اوغراشدی ایسه
قارشینده کیر بوعالم محترمک یتیمز، توکنمز سینه
قارشنی برسد آهین چکمک ایچین اوکا برشی ویرمه مک
صانکه یمین ایتمشجه سنه عناد ایدیوزلردی. مکتب
طیه، فیزیولوژی درسنی شا کر پاشایه مدیوندر.
بر آی اول مشارالیه کاضی کوی مزارلندنه
بولتان قبری کورمک، اونک طور اقلرخی کوز
یاشلریله ایصالتمق ایسته طلبه سی مزارینک بللیسز
بر حاله کلدیکی، باش اوچنه حیاتنده چکدیکی
تحمسوز اضطرابات کبی عادی، یازیسز بر طاش
دیگلمش اولدینی چشم تأسف ایله کوردیلر. تور
کلرک مدار افتخاری اولان بوذات قبری ایچنده

آلوده غبار و بلکه عین غبار اولمش، قبری ایسه
بوکون طانیلمه به جق بر حاله کیشدر.
راشید تحسین بک، معلمی مرحوم شا کر پاشانک
قبری اوزرنده اولدینی حالده مناقبنی ذکر ایدرکن
سلطان سلمیده کاش خانه سنده کی حجره مشعلسنه قدر
نفوذ ایتمش، مدت حیاتنک نلثانی سلیله کچریدیکی
بوکون ایسه باش ووجنده یازیسز، عادی بر قباغان
طاشندن باشقه برشی بولندیقنی لسان تأثرله سولیه یرک
شان علویسنه لائق بر مزار یاییلمسنی تکلیف
ایتمشدر، فقط هر شی کی بوده اونوتولدی.

شا کر پاشا، بیاض، قارما قاریشیق صقالیه،
دالغین نظرلریله طلبه سنک آراسنه کیردیمی سولیر،
سولیه دجکه دالار، دالجه صدددن اوزاقلاشیر،
فقط صدددن نه قدر اوزاقلاشیرسه طلبه سی اونسنده
استفاده ایدر ایدی. مثلاً دماغده مرکز تکلی
سولیرکه بر قاج دقیقه صوکر مرکز تکلمدن اوزا
قلاشمش، مجرای تقریری بوس بتون باشقاجه تله
سوق ایتمش یولنور.

اسلام علماسی آراسنده مزخوم مشارالیه نک نامی
بوکون مع التأسف اونوتولوق اوزرهدر. آله یالکز
ثروت فنونک سالنامه سنده اوقاق قطعه ده و فنا طبع
اولونمش بررسنی قالا بیلیمشدر. ملته بر اقدینی یادکار
ایسه یوزلرجه، حتی عددی بیکی تجاواز ایدن طلبه سی
ایله (دروس حیات بشریه) عنوانلی کتابی و بوکون
طب فاکولته سی فیزیولوژی معلم محترمی و مشارالیه
بحق وارث علم و عرفانی اولان (کمال جناب)
بکدر.



اجتماعیات

یاکلش تلقیلردن :

نعره زهرات

« فان ختم الانسلاطوا فی الشاهی »
« فانکحو اماطاب لکم من النساء مثنی و ثلاثة »
« و رباع فان ختم الامعدلوا فواحدة اوما »
« ملکب ایمانکم ذلک ادنی الامعدلوا »
« و اتوالنساء صدقا تهن نخلة فان طین »
« لکم عن شی منه نفساً فکاهه هنساء »
« مریاً » ایت جلیله

سوره نسانک اوچنچی ایتی اولان بالاده مندرج
اشبوات جلیله مبشعره متعلق بروقیقه الهیه اولوب
حیثیتی وحل مدعی خصوصنده بر دلیل شرعی بولونما
سندن ناشی عینا قیدنی تنسب ایتدم.

شوسطرلرده، خللق برقم کیسنجه بیکم قالان
و حالبوکه حیات اجتماعی مزه تعلق ایدن بر مسئله
شرعیه نک تدقیق یولنده بر فکر یورونمک ایسته یورم.
بضاعه سز لغمه رغما کنده حس ایتدیکنم بوجراتکارلق
بلم نی محجوب ایدرمی ؟ اساساً محتملک خطاسی
دائماً معقور بولیه کیشدر. ایسته بنده بواسه استاداً